

ترور استاد در کوچه پارک امین الدوله



در تقاطع کوچه پارک امین الدوله و کوچه هفدهم محله فخرآباد کمی بالاتر از ساختمان آجری رنگ مجلس شورای ملی نمادی لوزی شکل و مشبک نصب است که این نماد محل ترور دومین شخصیت نظام جمهوری اسلامی ایران را به تاریخ نشان می دهد.

در تقاطع کوچه پارک امین الدوله و کوچه هفدهم محله فخرآباد کمی بالاتر از ساختمان آجری رنگ مجلس شورای ملی نمادی لوزی شکل و مشبک نصب است که این نماد محل ترور دومین شخصیت نظام جمهوری اسلامی ایران را به تاریخ نشان می دهد.

به گزارش ایسنا، امروز ۱۲ اردیبهشت ماه چهل و دومین سالگرد ترور آیت الله شهید دکتر با مشارکت مثلث شوم حمید نیکنام، علی بصیری و وفا قاضی زاده از اعضای گروهک تروریستی فرقان است. همان گروهکی که ۹ روز قبل سرلشکر محمدولی قرنی فرمانده توابع عالی رتبه بازنشسته ارتش پهلوی را ترور کرد.

ریشه تاریخی مطهری

ملا محمدعلی کیخا از علمای برجسته قرآنی هرات در اواسط قرن سیزدهم شمسی محل سکونت خود دهکده کنگ پیران بخش پشت آب شهرستان زابل را به همراه خانواده ترک کرد و در روستای فریمان در ۷۵ کیلومتری شهر مشهد سکونت کرد.

مرتضی نوه ملا و پسر بزرگ شیخ محمدحسین کیخا در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ در سال پایانی دومین قحطی بزرگ ایران در روستای فریمان در ۷۵ کیلومتری شهر مشهد به دنیا آمد. شیخ محمدحسین از شاگردان ملا محمدکاظم خراسانی معروف به آخوند خراسانی همشهری ملا محمدعلی کیخا بود. خانواده کیخا به علتی که در اسناد تاریخی موجود نیست اقدام به تغییر نام فامیل خود به مطهری کردند.

مرتضی بعد از آموختن خواندن و نوشتن و صرف و نحو قرآن در مکتب خانه، در سن ۱۲ سالگی به حوزه علمیه مشهد رفت و پس از طی کردن دوره مقدمات در سال ۱۳۱۵ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفت. ورود او به حوزه علمیه قم مصادف بود با چندمین روز درگذشت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، موسس حوزه علمیه قم.

مرتضی جوان کتابهای مطول و شرح لمعه را نزد آیت الله محمد صدوقی از نوادگان شیخ صدوقی و سومین شهید محراب پس از انقلاب و آیت الله سیدشهاب الدین مرعشی نجفی از مراجع تقلید بزرگ شیعه آموزش دید. او که تا سال ۱۳۳۰ در حوزه علمیه قم حضور داشت فلسفه ملاصدرا و عرفان و اخلاق و اصول را نزد سیدروح الله خمینی، فلسفه الهیات شفای بوعلی و برخی دروس دیگر را نزد علامه سید محمدحسین طباطبایی، اخلاق و عرفان را نزد آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی، اصول را نزد آیت الله سیدمحمد حجت و فقه را نزد آیت الله سیدمحمد محقق داماد آموخت. او برای یاد گرفتن برخی علوم دینی مدتها به بروجرد نزد آیت الله سیدحسین طباطبایی بروجردی در رفت و آمد بود.

شیخ مرتضی در سال ۱۳۳۱ با عالییه روحانی دختر یکی از روحانیون مشهدی ازدواج کرد و از این ازدواج صاحب چهار فرزند دختر و سه فرزند پسر به نامهای علی و محمد شد. عباس هادی زاده، احمد یزدی، علی لاریجانی و مجید عباسپور دامادهای ایشان هستند.

او در همان سال از قم به تهران مهاجرت کرد و در مدرسه مروی در منطقه بازار بزرگ تهران به تدریس و تألیف و سخنرانی های مختلف پرداخت. سه سال بعد اولین جلسه تفسیر قرآن انجمن اسلامی دانشجویان را برگزار کرد و چند ماه بعد جزو اساتید دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران شد و تدریس را علاوه بر مدرسه مروی در این دانشکده آغاز کرد. استاد مطهری پس از تشکیل انجمن اسلامی پزشکان در سال ۱۳۳۷ یکی از سخنرانان اصلی این انجمن بود که این حضور تا زمان شهادت ایشان تا سال ۱۳۵۸ ادامه داشت.

استاد مطهری علاوه بر تحصیل علوم دینی و عقلی در امور اجتماعی و سیاسی نیز فعال بود و با گروه های مختلف سیاسی از جمله گروه فدائیان اسلام در ارتباط بود.

درخشش مطهری از دهه ۱۳۴۰

وضعیت اجتماعی و سیاسی ایران در دهه ۱۳۴۰ و علنی شدن مبارزات سیدروح الله خمینی علیه نظام پهلوی از سال ۱۳۴۱ استاد مطهری را مصمم به حضور مستمر و پیوسته کنار رهبر معنوی جریان فکری منتقد نظام پهلوی کرد. اقدامات اجتماعی و فرهنگی او در این دوره به مرور جایگاه ایدئولوژیک، مدیریتی و اجرایی او را نزد رهبر فقید انقلاب اسلامی نمایانتر کرد.

مشهودترین این اقدامات سازماندهی قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در تهران بود. اگر چه سخنرانی مهیج استاد بر علیه شخص شاه در ساعت ۱ بامداد روز چهارشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ موجب بازداشت و زندانی شدن ۴۳ روزه اش توسط شهرستانی شد. البته او و سایر بازداشت شدگان به دلیل اعتراضات و مهاجرت برخی علما و روحانیون به تهران و فشار افکار عمومی بر دستگاه حاکمه، اواخر تیر ۱۳۴۲ از زندان آزاد شد.

استاد پس از آزادی از زندان به روشنگری در دانشگاه تهران، انجمن اسلامی دانشجویان، انجمن اسلامی پزشکان و دو مسجد هدایت جمهوری و مسجد جامع نارمک ادامه داد. او حتی به تاسیس حسینیه ارشاد در سال ۱۳۴۶ اقدام کرد و سه سال بعد به دلیل برخی اختلاف نظرها با برخی از اعضای هیات مدیره از عضویت در آن استعفاء داد.

پس از تشکیل هیات های مؤتلفه اسلامی به نمایندگی از رهبر نهضت مبارزه با رژیم پهلوی به همراه چند روحانی دیگر عهده دار مدیریت و رهبری این هیاتها شد. نفوذ و شناخت استاد مطهری در پرونده شناسایی و دستگیری کادر رهبری هیاتهای مؤتلفه اسلامی خودنمایی کرد. ماجرا از این قرار بود که پس از ترور حسنعلی منصور نخست وزیر ۴۱ ساله رژیم پهلوی و دستگیری و اعدام محمد بخارایی ضارب عضو گروه فداییان اسلام و از شاگردان استاد مطهری، کادر رهبری هیات های مؤتلفه اسلامی که ایشان نیز جزو آنان بود شناسایی و دستگیر می شوند اما به لطف اطلاع قاضی پرونده که مدتی دانشجوی استاد در قم بود از مهلکه جان سالم به در می برد.

پس از تبعید امام خمینی(ره) در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه مسئولیت استاد سنگین تر از قبل شد. رژیم پهلوی به بهانه صدور اعلامیه ای مشترک به امضای آیات عظام علامه محمدحسین طباطبایی، شیخ سید ابوالفضل مجتهد زنجانی و دکتر مرتضی مطهری در سال ۱۳۴۸ برای حمایت از آوارگان فلسطینی و جمع آوری کمکهای نقدی و غیرنقدی و قرائت این اعلامیه در مراسم رسمی حسینیه ارشاد، استاد را دستگیر و مدتی در زندان انفرادی محبوس شد.

با فعالیتهای مستمر فرهنگی – سیاسی دکتر مطهری طی سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۴ در مراکز مذهبی معروف تهران از جمله مسجد الجواد میدان هفت تیر و حسینیه ارشاد و مسجد جاوید این سه مکان مذهبی از سوی ساواک تعطیل و ایشان بار دیگر دستگیر و مدتی زندانی شد. حکومت پهلوی که روشنگری ها و تئوریزه کردن دین مبین اسلام را بر نمی تابید دکتر را از سال ۱۳۵۴ تا آخرین لحظات عمر رژیم پهلوی ممنوع المنبر کرد.

مطهری و تبیین ایدئولوژی جمهوری اسلامی

تبیین ایدئولوژی اسلامی و مانیفست دینی جمهوری اسلامی توسط استاد مطهری ماناثرین اثر و ارثیه ایشان است که از طریق انبوه سخنرانی ها و تألیف کتابهای مختلف و تدریس در مساجد و دانشگاه ها برای مردم ایران به یادگار ماند. اهمیت این مسئله زمانی صد چندان می شد که گروههای التقاطی و تندرو دینی به دلیل افزایش تبلیغات گروه های چپ در دانشگاهها و محیطهای پر تردد جوانان طی سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ رو به افزایش گذاشت.

ایشان همچون شاگردی تیزبین به سرعت به خطر فکری و التقاطی سازمان مجاهدین خلق یا همان سازمان منافقین پی برد و تلاش بسیاری کرد تا مردم و مسوولان در دام این سازمان تروریست و فریبکار نیفتند. یار و شاگرد باهوش و سیاسی امام خمینی به خوبی توانست پی به ماهیت ناپایدار و سیال ایدئولوژی فکری منافقین برد و آن را پیش بینی کند.

به دلیل نیاز شدید حوزه علمیه قم به علوم جدید و قرائت های نوین از فقیه شیعه، امام خمینی در سال ۱۳۵۵ از استاد مطهری خواست تا هفته ای دو روز به شهر قم سفر کرده و طلاب و فاضلای حوزه علمیه قم را با مسائل سیاسی روز و قرائت جدید از فقه اسلامی آشنا کند.

دکتر مطهری در سال ۱۳۵۵ به دنبال اختلاف فکری شدید با امیرحسین آریان پور از اعضای حزب توده و استاد کمونیست دانشکده الهیات دانشگاه تهران، زودتر از موعد مقرر خود را بازنشسته کرد. ایشان معتقد بود نباید یک مارکسیست در دانشکده الهیات تدریس داشته باشد، اما به دلیل حمایت رژیم از مارکسیستها استاد مطهری در نهایت ناچار به استعفا از این دانشکده شد.

پس از شکست قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ علت شکست، عدم وجود تشکیلات منسجم شناسایی شد به این منظور در سال ۱۳۵۶ به

تأکید امام خمینی و حمایت از استاد مطهری، نخستین هسته جامعه روحانیت شکل گرفت و اساسنامه آن در سال ۱۳۵۷ تدوین شد. برنامه ریزی برای انجام راهپیمایی‌ها، سخنرانی در مساجد، تهیه شعارها و هماهنگی و سازماندهی مبارزه ضد رژیم عمده‌تاً بر عهده جامعه روحانیت مبارز بود.

ارتباط در تبعید

ارتباط استاد مطهری با امام (ره) در دوران تبعید از طریق پیک برقرار بود، اما این ارتباط از سال ۱۳۵۵ با سفر استاد به نجف اشرف مسیر جدیدی پیدا کرد. ایشان با سفر به محل سکونت امام در عراق از نزدیک درباره مسائل مهم نهضت با ایشان همفکری و مشورت کرد. نقش استاد مطهری در اداره نهضت به خصوص پس از جانباختن آقا سید مصطفی خمینی پررنگ تر از قبل شد. ایشان در سالهای تبعید امام به نوفل لوشاتو هم به آنجا سفر کرد و نقش حلقه اتصال امام و امت را محکم تر از قبل ایفا کرد.

در سفر استاد مطهری به محل سکونت امام(ره) در فرانسه رهبر فقید انقلاب اسلامی ایشان را مسؤول تشکیل شورای انقلاب کردند که این شورا تصمیمات موثر و بزرگی برای گذار ایران عصر پهلوی به عصر جمهوری اسلامی اتخاذ کرد.

در طلیعه انقلاب اسلامی و روز بازگشت امام خمینی(ره) به میهن نیز استاد مطهری مسؤول کمیته استقبال بود.

نقش آفرینی شگرف و ایده پردازی عمیق استاد شهید مرتضی مطهری از ایشان در ذهن و دل دشمنان نظام جمهوری اسلامی چنان کینه ایجاد کرد که نتوانستند حضور ایشان را تحمل کنند. ساعت ۲۲ و ۲۰ دقیقه سه شنبه شب ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ پس از خروج استاد مطهری از جلسه شورای انقلاب که در منزل یدالله سبحانی از موسسات نهضت آزادی برگزار شد، حمید نیکنام، علی بصیری و وفا قاضی زاده از اعضای گروهک تروریستی فرقان از تاریکی شب و خلوتی تقاطع کوچه پارک امین الدوله و کوچه هفدهم فخرآباد استفاده کردند و با شلیک چند گلوله ایشان را از ناحیه سر هدف قرار دادند و به شهادت رساندند.

علی مطهری درباره نحوه شهادت پدرش گفت: مهندس کتیرایی و دیگران متوجه این واقعه شدند و به سرعت او را به بیمارستان طرفه در خیابان بهارستان می رسانند، اما در بیمارستان، پزشکان نظر می دهند که پدرم شهید شده است و امکان مداوا و بهبودی او به هیچ وجه ممکن نیست. گلوله از زیر بناگوش راست، وارد و از بالای ابروی چپ خارج شده بود.

پیکر آیت الله شهید دکتر مرتضی مطهری یک روز در بیمارستان طرفه نگه داشته شد و صبح پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۹ از دانشگاه تهران تشییع و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد. روحش شاد پادش گرامی

امام خمینی در رسای مطهری

رهبر فقید انقلاب اسلامی ساعت بعد از ترور استاد شهید در پیامی مکتوب چنین نوشتند: «اینجانب به اسلام و اولیای عظیم الشان آن و به ملت اسلام و خصوص ملت مبارز و آزاد ایران ضایعهٔ آسف انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام مرحوم آقای آقا سید مرتضی مطهری - قدس سره - را تسلیت و تبریک عرض می کنم. تسلیت در و شهادت شخصیتی که عمر شریف و ارزندهٔ خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کج رویها و انحرافات مبارزهٔ سرسختانه کرد، تسلیت در شهادت مردی که در و اسلام شناسی و فنون مختلفهٔ اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.

من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوگ او نشستم که از شخصیت‌هایی بود که حاصل عمرم محسوب می شد. در اسلام عزیز با شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست و تبریک در داشتن این شخصیت‌های فداکار که در زندگی و وجود و

من در تربیت چنین فرزندی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می بخشند و به ظلمتها نور می افشانند، به اسلام بزرگ، مربی انسانها و به امت اسلامی تبریک می گویم. من گرچه فرزند عزیزی را که پارهٔ تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود و داشت و دارد.

مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملاء اعلی پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و تروریستها نمی توانند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند.

آنان بدانند که به‌واسطه خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصممتر می‌شوند.

اینجانب روز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت، عزای عمومی اعلام می‌کنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه و جمعه به سوگ می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم. سلام بر شهدای راه حق و آزادی.»

امام امت سه روز بعد در مراسم گرامیداشت استاد شهید در مدرسه فیضیه قم بیان کردند: «این رجل فاجری که خون عزیز ما را به زمین ریخت، تأیید کرد دین خدا را. یعنی خدا دین خودش را به او تأیید کرد. با ریختن خون عزیز ما، تأیید شد انقلاب ما. این انقلاب باید زنده بماند، این نهضت باید زنده بماند، و زنده ماندنش به این خونریزیهاست. بریزید خونها را؛ زندگی ما دوام پیدا می‌کند. بکشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می‌شود. ما از مرگ نمی‌ترسیم؛ و شما هم از مرگ ما صرفه ندارید. دلیل عجز شماست که در سیاهی صحبت می‌کردید؛ مباحثه می‌کردید. لکن منطق ندارید، منطق شما ترور است!»

منطق اسلام ترور را باطل می‌داند. اسلام منطق دارد؛ لکن با ترور شخصیت‌های بزرگ ما، شخص‌های بزرگ اسلام ما تأیید می‌شود. نهضت ما زنده شد. تمام افشار ایران، باز زندگی از سر گرفت. اگر یک سستی، ضعفی پیدا کرده بود، زنده شد. اگر نبود شهادت این مرد بزرگ، و اگر مرده بود این مرد بزرگ در بستر خودش، این تأیید نمی‌شد؛ این موج برنمی‌خاست. الآن موجی در همه دنیا، همه دنیا، همه دنیایی که به اسلام علاقه دارند، این موج بلند شد. سایر کشورها هم؛ برادرانم نترسید از موج.»

منابع:

انتشارات صدرا- زندگی نامه استاد شهید دکتر مرتضی مطهری

کیهان فرهنگی شماره، سال ۲۸، شماره ۲۸۰ و ۲۸۱

صحیفه امام جلد هفت. ص ۱۷۸ و ۱۷۹-۱۸۳ و ۱۸۴